

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

تحلیلی بر سیر شناخت و روش شناسی علم اقتصاد

نویسنده: مهدی زرباف

استاد راهنما: محمد حسین تمدن

استاد مشاور: مسعود درخشان، حمید ناظمان

سال تحصیلی: بهمن ۱۳۵۹

توصیفگر: ۴۶۷ ص . شماره بازیابی ۲ الف.

واژگان کلیدی: اقتصاد / روش شناسی

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر ، بررسی علم اقتصاد از نقطه نظر روش شناسی و نیز ملاحظه این علم در بستر متدولوژیک علوم اجتماعی است. روش مورد استفاده در این تحقیق ، روش کتابخانه ای است . پیدایش و بنیانگذاری علم اقتصاد ، عنوان بخش اول است که به منظور تبیین علمی شدن اقتصاد و ظهور روشهای علمی در مباحث اقتصادی قرن هفدهم و بالاخره بنیانگذاری علم اقتصاد است مستقل در نیمه دوم قرن هیجدهم ، تدوین یافته است. مسلماً این امر زمینه مناسب جهت پرداختن به مباحث روش شناسی علم اقتصاد مدرن در قرن بیستم را در اختیار قرار می دهد. در بخش دوم ، متدولوژی علوم اجتماعی بررسی شده است. این بخش به منظور شناسایی متدولوژی علوم اجتماعی و نیز تبیین هر چه

بیشتر بستر متدولوژیک متدهای مطروحه در علم اقتصاد ارائه گردیده است. اهمیت ماهیت متدولوژی علوم اجتماعی ، قلمرو موضوعی آن در رابطه با علم ، فلسفه ، اپیستمولوژی و انتولوژی ، روند تاریخی نظریه های شناخت و روش شناسی سه دیدگاه تجربه گرایی ، استنباطی و عقل گرایی - انتقادی و بالاخره معرفی بعضی از مکاتب شاخص در متدولوژی علوم اجتماعی از عمده مباحث این بخش می باشند.

بخش سوم ، اختصاص به تئوری سازی در اقتصاد دارد. هدف از این بخش معرفی ساختار تئوریک و تحلیلی تئوریهای اقتصادی است. بدین معنی که اولاً تئوری های اقتصادی دارای چه ویژگیهایی هستند و بر اساس چه محورهایی تکوین می یابند ؟ ثانياً ، معیار ارزیابی و تشخیص اعتبار تئوری های علمی اقتصادی چیست و این امر چگونه صورت می پذیرد؟ بررسی اجمالی علم اقتصاد مدرن از نقطه نظر روش شناسی که در واقع مبین هدف اصلی تحقیق می باشد ، در بخش چهارم ارائه شده است. این بخش می کوشد تا آنچه را که امروزه تحت عنوان علم اقتصاد مدرن مطرح است از نقطه نظر روش شناسی مورد بررسی قرار دهد. البته منظور از اقتصاد مدرن ، اقتصادی است که بر اساس متدهای تحقیقی و نوین قرن بیستم به دست آمده چرذا که امروزه معیار علمی بودن یک علم ، متدی است که آن علم بر اساس آن به دست آمده است. از طرف دیگر علم اقتصاد مدرن به عنوان یک علم تجربی شناخته شده است و علت آن هم این است که در سنوات اخیر ، تعاریف علوم به جای آنکه بر اساس هدف و یا موضوع آن علم صورت پذیرد، بر اساس متد آن علم صورت گرفته است. در مقابل دیدگاههای دیگری یافت می شود که اصلاً اعتقادی به این روشهای نوگرایانه ندارند و انتقادهایی جدی نسبت به آنها وارد می سازند. مسئله حائز اهمیت دیگر از نقطه نظر متدولوژیک ، حوزه ارزشی اقتصاد می باشد ، یعنی اینکه جایگاه ارزشهای انسانی و اجتماعی در موضوعات و تئوریهای اقتصادی کجاست و اگر بنا باشد ، ملاک ، متدهای تحقیقی اقتصاد باشد، آن وقت با مشکل ارزشها ، به عنوان یک واقعیت عینی چگونه

برخورد شود . مسأله دیگر که از نقطه نظر روش شناسی مهم است، مسأله انسان اقتصادی به عنوان یک مدل ایده ال می باشد که در فصل پایانی این تحقیق بدان پرداخته شده است.